



نگاهی بر بینش اجتماعی بر مبنای اعتقادات اسلامی شهر

یاسر مندنی پور^۱، علی اکبر حیدری^۲

چکیده:

شهر اسلامی یکی از مفاهیمی است که به طور مکرر در پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص رابطه‌ی شهر و شهرسازی، با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است. این پژوهش کوشیده تا توان به‌کارگیری ارزش‌های شهرسازی اسلامی را در دوره‌ی امروزی و برای گستره جهانی آشکار سازد. هویت هر شهر را ویژگی‌ها و امتیازات آن شهر در دوره‌ای نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. اجزا و عناصر سازنده شکل شهر، نحوه ترکیب آن‌ها و عامل زمان، همگی دارای قابلیت تداعی معنا، بالا بردن قابلیت ایجاد تصویر ذهنی، ایجاد حس مکان و هویت شهری هستند. این پژوهش، به سبب اهمیت موضوع با روشی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به هدف استخراج شناسه‌های تشخیص بخش شهرسازی در شهرهای اسلامی به تحقیق پرداخت. موضوع شهر ایرانی - اسلامی همواره با رویکردهای متفاوت مواجه بوده است و هر اندیشمند، دانشمند و کارشناسی از زاویه‌ای بر آن نگرینسته و متناسب با داده‌های خود تعریفی ارائه کرده است. بر این اساس این پژوهش به منظور تجلی ارزش‌های اسلامی در کالبد شهر به شناسایی ارزش‌هایی می‌پردازد که بتوانند با ظهور در مجتمعی اسلامی هویت آن را نمایش دهند.

کلیدواژه‌ها: شهر، اعتقاد اسلامی، اجزا و ساختار.

^۱ کارشناس ارشد معماری دانشگاه بین‌الملل بوشهر واحد عسلویه ، دانشجوی کارشناس ارشد طراحی شهری تهران شرق

yaser.mondanipour@gmail.com

^۲ دانشیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج Aliakbarheidari.iust@gmail.com

۱- مقدمه

اگر در گذشته محله، ایجاد دل‌بستگی، امکان تعلق و یا شرایط پیوند فرد با محیط زندگی و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کرد، در دوران اخیر، توسعه‌ی شهری با مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی خود در جهت تضعیف و یا انهدام این نوع رابطه‌ها عمل می‌کند (موسوی، ۱۳۸۷). این در حالی است که روند شکل‌گیری محله‌های قدیمی به‌گونه‌ای بوده که در پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنین از کارایی لازم برخوردار داشته است. (عزیزی، ۱۳۸۵). درواقع، شهرسازی را می‌توان جزو فعالیت‌ها و علوم به شمار آورد که با زندگی روزمره و لحظه‌ای انسان‌ها ارتباط دارد و آثار آن در نحوه سکونت و کار و فعالیت و گذراندن اوقات فراغت شهروندان ملموس و آشکار است. از این‌روست که شهرسازی را می‌توان دانشی تلقی کرد که تلاش دارد رابطه‌ای متعادل بین «انسان»، «فعالیت» و «مکان» ایجاد نماید. تحقق این تلاش، بدون برنامه‌ریزی میسر نیست. بر همین مبنا، همان‌طور که در برنامه‌ریزی، ابعاد مختلف زندگی و جوامع انسانی با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی چون اقتصاد، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، بوم‌شناسی، اقلیم‌شناسی و... مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند، در شهرسازی، نیز تمامی این ابعاد، باید مدنظر قرار داده شود تا با شناسایی و تحلیل واقعیت‌های موجود، تمهیدات ایجاد بستر مناسب زندگی برای ساکنان شهرها فراهم آید (سلیمانی و قادری، ۱۳۹۵: ۱۱). مؤلفه‌های شخصیت یک شهر، همانند مؤلفه‌های شخصیتی انسان دارای دو بُعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از همدیگر تفکیک شوند. متغیرهای هر یک از مؤلفه‌ها چنانچه دارای صفات اختصاصی و برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می‌کنند. (behzad far. ۲۰۰۷). شهرهای مسلمانان در دوره اسلامی همچون بسیاری از آثار آنان فقط از آن جهت اسلامی نیستند که توسط مسلمانان به وجود آمده‌اند، بلکه این آثار به آن جهت اسلامی نامیده می‌شوند که مثل شریعت و طریقت از تعالیم عالیه اسلام الهام گرفته‌اند. این آثار حقایق و جان اسلام را در عالم هستی متجلی می‌سازند. (نصر، ۱۳۵۷ و نقی زاده، ۱۳۸۹). از سوی دیگر معماری و شهرسازی دارای سرشت نمایشی است و گاهی این نکته در دوگانگی با آرمان‌هایی چون ساده زیستی و دادگری است. کاربرد نمایش‌واری و نمایان‌سازی جسته‌وگریخته از معماری نهان می‌شود و به گفته‌ی الگ گرابر در نوشته‌ای به نام "معماری فرمانروایی: کاخ‌ها، دژها و باروها"، بیان شکوه، سرشت معماری است. تنها گاهی است که یک یادبود معماری پدید آمده است که بازتاب شکوه نباشد. آنچه در شهرها دیده‌شده، این است که در برپایی بسیاری از این ساخت‌وسازها، گاهی بیهودگی و فزون‌خواهی آدمی بر باورمندی خدایی وی چیره شده است و شکوه خواهی بر پاکیزگی پیشی گرفته است. (michel, ۴۸: ۲۰۰۲-۸۰). یکی از مشکلات اصلی در مطالعه‌ی شهر اسلامی و تبیین مؤلفه‌ها ویژگی‌ها آن را می‌توان فقدان و عدم بهره‌گیری از یک روش مناسب برشمرد. روشی که قادر باشد ورای صداها، غالب و متداول در این عرصه برود؛ و به دلیل دامن‌های وسیع زمانی و مکانی تحت پوشش حکومت/تمدن/فرهنگ اسلامی در پی یکسان‌سازی و ارائه تصویری یگانه از شهر اسلامی نباشد؛ و علاوه بر آن، بتواند گفتمان‌های مختلف موجود در این زمینه را تحت پوشش قرار دهد. پژوهش کیفی، عرصه‌ای است که به دلیل ماهیت انضمامی آن می‌تواند به‌عنوان ابزاری تسهیل‌گر در این عرصه مورد استفاده قرار گیرد. به‌طور کلی، پژوهش کیفی پیوسته با تمرکز بر داده‌ها و توجه به عقاید و دیدگاه‌های افراد و گروه‌هایی که به‌طور معمول حاشیه‌ای تلقی می‌شده‌اند؛ زندگی و شیوه‌ی بودن و تفکر آن‌ها را آشکار می‌نماید. پژوهش کیفی، تفکرات و فلسفه‌هایی را که در پی توجه به تنوع و دیدگاه‌های مختلف هستند را پذیرفته و تسهیل می‌نماید. (پرز و کانالا، ۲۰۱۳).

۲- مبانی نظری

۲-۱- تعاریف و مفاهیم

۲-۱-۱- قریه:

کلمات مشتق از قریه ۵۷ بار در قرآن تکرار شده و معنایی که در ترجمه‌های مختلف به کار گرفته شده است جایگاه زیست مردمان است، خواه در این جایگاه بزرگ‌ترین جمعیت و خواه کمترین جمعیت باشد (نقی زاده، ۱۳۸۷).

۲-۱-۲- محله:

محله از تجمع و پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم مجاور در یک فضای جغرافیای خاص و به خانواده‌هایی که با ورود به آن خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبه‌رو می‌بینند گفته می‌شود. (شکویی ۱۳۵۲، ۱۳۵ و ۱۳۶۵، ۴۸)

۲-۱-۳- شهر:

به لحاظ حقوقی کلمه شهر یا مدینه در بسیاری از کشورهای جهان از کلمه یونانی و رومی اخذ گردیده که «معانی آن کلمه تمدن یا «مقررات» بوده است. به این ترتیب شهر به جایی اطلاق می‌شده است که در آن تمدن و مقررات بر توحش و خشونت غلبه داشته باشد. (کامیار، ۱۳۷۹: ۱۴).

۲-۱-۴- شهر اسلامی:

شهر اسلامی ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمان، تجلی ویژه خویش را خواهد داشت. به عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری، مصالح، دانش، هنر و فرهنگ بومی (که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشد) تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد. (نقی زاده، ۱۳۸۳). رواج عنوان «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان به (ویژه «شهر اسلامی» نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان‌نشین)، از قرن نوزدهم میلادی و توسط مستشرقان آغاز شد. از آن دوران به بعد «شهر اسلامی» که به شهرهای ساخته شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد، به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تتبعات شهری سکونت‌گاه‌های مسلمانان، بر این اساس که با حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند، در ادبیات غرب تثبیت شد. (نقی زاده، ۱۳۹۰). نقی زاده ویژگی‌های شهر اسلامی را دربرگیرنده یگانگی، بندگی، پارسایی، رهنمودی، یادآوری و اندیشیدن، دادگری، نیک‌خواهی، شکر، پندآموزی، آسایش، مهرورزی و میانه‌روی می‌داند. (نقی زاده، ۱۳۸۵). ویژگی‌هایی که به خوبی فرا کالبدی ساماندهی شده‌اند. همچنین عبدالحمید نقره‌کار ارزشمندترین پایه‌های معماری در دوران اسلامی را بر پایه‌ی دادگری، گذر از گوناگونی به یگانگی، گذر از آشکاری به نهانی و رده‌بندی آرمان‌های چندی و چونی می‌داند که در فضاهای کالبدی پدیدار می‌شود (نقره‌کار، ۱۳۸۷). در چارچوب این مفاهیم است که شهرسازی اسلامی به عنوان جریانی اثرگذار خود را نشان می‌دهد. در همین ارتباط، «ف. بنت لیس»، تأکید فراوانی بر ایدئولوژی شهرسازی اسلامی نموده و می‌نویسد: «اسلام به شکلی برجسته نمادی از دینی مدنی است که به راحتی بر ساختار شهرسازی جهان تأثیر گذاشت و آن را متحول کرد». (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹).

برخی از مهم‌ترین اصول و ضوابط اساسی در شناسایی شهرهای اسلامی در بحث شهرسازی عبارت‌اند از:

الف: اصل ضرار، ب: اصل محرمیت، پ: اصل وحدت و یکپارچگی، ت: اصل حرمت، ث: اصل مالکیت خصوصی، ج: اصل همسایگی، چ: اصل حق دریافت روشنایی و هوای مورد نیاز...

۲-۱-۵- شهر ایرانی اسلامی:

شهر ایرانی - اسلامی، متشکل از مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط طبیعی و مصنوع و با سایر هموعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی‌اند (که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند). اجمالاً باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و ازجمله شهرسازی آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) است. (نقی زاده، ۱۳۷۹). در الگوی شهر اسلامی عامل مسلط دین اسلام است و به‌طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این نظام هویت می‌یابند (ایازی، ۱۳۷۸: ۱۰۲). به عبارت دیگر شهر اسلامی، شهری است که بر اساس مبانی و آموزه‌های مطابقی یا تضمینی یا التزامی قرآن و روایات صحیح بنا شده باشد. حال آنکه مراد از شهر مسلمانان شهری است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند (شکرانی، ۱۳۷۸: ۲۳۶).

۲-۲- ادبیات شهر اسلامی

شهر اسلامی به شهرهای اطلاق می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشاء گرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته‌اند. شهرنشینی و شهرهای اسلامی دوره‌ای مشخص و محدود چهارده قرن پیش تاکنون را در بر گرفته و باکمال شگفتی بر پهنه‌ای بسیار وسیع در سه‌گوشه جهان کم‌وبیش مهم و باستانی گسترش یافته است. این پهنه از اقیانوس اطلس تا دریای چین از خلیج گینه تا آسیای مرکزی از بالکان تا اندونزی و از شاخ آفریقا تا خلیج بنگال گسترده شده است» (کوئو، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۴) این شهرها در ویژگی‌ها کالبدی و اجتماعی متأثر از حاکمیت فرهنگ اسلامی با حکومت‌های اسلامی اشتراک‌های زیادی دارند. از نظر محققان تنها قرار گرفتن شهرهای موردبررسی در حیطه فرمانروایی مسلمانان برای اطلاق شهر اسلامی کافی نبوده و شناخت وجود تمایز بین شهر اسلامی و شهرهای قدیمی در سرزمین‌های اسلامی و سایر شهرهای خارج از قلمرو اسلامی نیز موردتوجه است. اهمیت دین اسلام و فرهنگ اسلامی در شکل‌گیری الگوی خاصی از زندگی شهری در بخشی از جهان با تاریخ معماری اجتماعی و سیاسی مشخص سبب شده که محققان با در نظر گرفتن ویژگی‌ها عام شهر در تعیین شهرهای اسلامی مبنایی را برای مطالعات خود فراهم سازند. مطالعات شهری که با هدف توضیح و توصیف وضعیت شهرها در جهان اسلام انجام می‌شود در چارچوب مفهومی شهر اسلامی قرار می‌گیرند. بر اساس این مفهوم اسلام دینی ذاتاً شهری پنداشته می‌شود که بازندگی شهری هماهنگ شده و مقرراتی برای تنظیم جوامع شهری ارائه می‌کند؛ بنابراین نخستین عامل تعیین‌کننده شکل شهر در نظر گرفته می‌شود (Cihangir, ۲۰۰۴) مفهوم شهر اسلامی نخست در مطالعه شهرهای شمال آفریقا مورد استفاده قرار گرفت. این تحقیقات سبب شکل‌گیری قالبی کلی از شهر اسلامی گردید که آن را به کل شهرهای موجود در قلمرو حاکمیت اسلام تعمیم می‌دهند. مطالعات بیشتر درباره شهرهای اسلامی در خارج از آفریقا و خاورمیانه موجب پیچیدگی در مفهوم و مشخصات کلی شهر اسلامی و تنوع نظرها در این باره گردید. در مورد ماهیت و قابلیت تمایز شهر اسلامی نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است. در یک دسته‌بندی کلی پنج نظریه یا موضع مشخص زیر قابل توجه است.

۱- نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی می‌دانند.

۲- نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را صفت شرقی داده و آن را شهر شرقی نامیدند.

۳- نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد شرایط ویژگی‌ها یک شهر می‌دانند.

۴- نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد تداوم و استمرار تاریخی می‌دانند.

۵- نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را دارای ساختار سست و بی‌قاعده می‌دانند. باقری، ۱۳۸۶: ۶۹۶۸

اکثر مطالعات شهرهای اسلامی در پی ارائه طرح و مدلی از این شهرها برای تفکیک از سایر شهرها بوده‌اند. این تالش منجر به مشابه در ادبیات شهر اسلامی شده است. ارائه چندین مدل نسبتاً «مهم‌ترین آن‌ها از طرف بری، اویگن ویرث، کراف، واگستاف و اهلرز ارایه

شده‌اند (مؤمنی ۱۳۷۸) این مدل‌ها بیانگر برخی ویژگی‌ها متمایزکننده شهرهای حوزه تمدن اسلامی و سایر حوزه‌های تمدنی است. ویرث که رابطه بین اسلام و شهر را از زاویه جغرافیایی مطالعه کرده معتقد است که در گستره جهان اسلام شهرها در داشتن چند خصیصه شامل شبکه معابر هزارتو کوچه‌های بن‌بست منازل دارای حیاط درونی محله‌ها مستقل و بازار مشابه هستند (۲۰۰۴ Cihangir,). اهلرلر نیز در بررسی‌های خود مدلی از شهر اسلامی ارائه کرده که ویژگی‌ها آن عبارت‌اند از: ۱- وجود سلسله‌مراتبی از کارکردها با مسجد ادینه کارکرد (دینی) و بازار کارکرد اقتصادی و قلب فعالیت‌های کسب‌وکار سنتی به: عنوان هسته مرکزی هر شهر اسلامی.

۲- وجود سلسله‌مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار به‌طوری‌که نه‌تنها نظم و ترتیب مشخصی از فعالیت‌های کسب‌وکار و صنف بندی در سراسر مجموعه بازار به چشم می‌خورد؛ بلکه از نظر بازرگانی نیز دکان‌ها با کالاهای مرغوب و طراز اول در مجاورت هسته مرکزی بازار گذرگاه یا راسته‌های معتبر قرار داشتند و دادوستدهای کم‌ارزش‌تر در فاصله دورتری از مرکز بازار جایگزین می‌شدند.

۳- وجود محله‌های مسکونی درون‌شهری کارکرد مسکونی با جدایی گزینی مناسب و هماهنگ با تفاوت گذاری‌های اجتماعی قومی، دینی و مردم شهر

۴- وجود تأسیسات و استحکامات نظامی - دفاعی (کارکرد دفاعی) مانند حصار برج دروازه‌ها بندها و دربندهای محله‌ها مشخصات خاص دیگری نظیر گورستان‌ها و بازارهای دوره‌ای بیرون باروی شهر اهلرلر (۱۳۷۳) وی از میان معیارهای مطرح‌شده برای شناخت شهر اسلامی تنها مورد بازار را استثنا می‌داند که از نظر شکل تکوین و کارکرد یکتا است (مؤمنی ۱۳۷۸)

اهمیت اسلام در فرایند شکل‌گیری شهرهای اسلامی از موضوع‌های بحث‌برانگیز در مطالعات مربوط به شهرهای اسلامی است. در کنار برخی که اسلام را عامل تمایز شهرهای اسلامی از سایر شهرها می‌دانند، برخی از محققان دیگر معتقد به ترکیبی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری ویژگی‌ها شهرهای اسلامی هستند و اسلام را یکی از این عوامل در نظر می‌گیرند با توجه به مشابهت‌های موجود بین ویژگی‌ها شهرهای دوران اسلامی با پیش از آن برخی از پژوهشگران معتقد به وجود میراث فرهنگی، عقاید اجتماعی و دینی جامعه قبل از اسلام در شهرهای اسلامی هستند. بسیم سلیم معتقد است که بی‌شک سنت‌های بومی و خصلت شهرهای پیش از اسلام تأثیرات قابل‌توجهی به‌خصوص در سرزمین‌های شرقی خلافت اسلامی از خود برجای گذاشته است بسیم سلیم، ۱۳۸۱ (۲۲).

۲-۳- ماهیت اجتماعی شهر اسلامی

اغلب ویژگی‌ها موردتوجه در تبیین و مدل‌سازی برای شهرهای اسلامی جنبه کالبدی اقتصادی و سیاسی دارند؛ نظیر توجه به کارکردها و شکل تکوین بازار اهمیت مسجد و نقش‌های آن و همچنین مکان‌یابی و اهمیت استحکامات نظامی در مقابل بررسی ابعاد اجتماعی جامعه شهری اسلامی که بیانگر وضعیت همبستگی‌های اجتماعی طبقه‌بندی اجتماعی تشکلهای گروهی و میزان استقلال و خودفرمانی در شهرهای اسلامی و مناسبات شهروندان شهرنشینان (با حکومت است. کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند. درحالی‌که شهرهای اسلامی تحت تأثیر فرهنگ دینی جدید و در تعامل یا تقابل با فرهنگ‌های بومی پیش از اسلام استیلای حکومت‌های متمرکز موقعیت جغرافیایی و نقش آن در اقتصاد جامعه و تنوع قومی و دینی و مذهبی، سیمای اجتماعی خاصی را داشته‌اند. اهمیت پرداختن به ماهیت اجتماعی شهرهای اسلامی از مقایسه تطبیقی بین شهر غربی و اسلامی در نتیجه تعریف خاص ماکس وبر از شهره است که انطباق آن بر شهر اسلامی دشوار است. استفاده از این تعریف برای تعیین شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی از نظر اغلب خاورشناسان و محققان شهر اسلامی سبب خارج شدن همه سکونتگاه‌ها از دایره تعریفی شهر می‌شود. در این مقاله برخی از ویژگی‌ها اجتماعی شهر اسلامی درگذر زمان تشریح می‌گردند.

۲-۳-۱- همبستگی اجتماعی

بین ساکنان شهرها برای تأمین حقوق و حفاظت از منافع خود در برابر گروه‌های متخاصم و حاکمان همبستگی و پیوندهای اجتماعی خاصی برقرار می‌شود که ریشه‌های متنوعی دارد. وجود این پیوندها از ویژگی‌ها مهم جوامع شهری است که انتظار می‌رود. متفاوت از پیوندهای ایلی و قبیله‌ای باشند در روستاها روابط خونی و دودمانی سبب وحدت اجتماعی در برابر اشاره‌ای خارجی می‌شود. ولی در شهرها اشتراک منافع و همانندی‌های فکری و نگرشی نیز پیوندهایی را برقرار می‌کند شرایط اجتماع‌های مسلمان در شهرها نیز به پیدایش سطوح گوناگونی از این پیوندها فرصت ظهور داده که بررسی آن‌ها قابل توجه است اهداف و منافع شغلی اهداف عیاری تعصب‌های محله‌ای مذهبی و قومی از جمله مهم‌ترین محورهای پیوند ساکنان شهرها با یکدیگر بوده است. در اطراف این محورها گروه‌هایی تشکیل می‌شدند که رفتارهای خاصی را شکل می‌دادند.

۲-۳-۲- تشکلهای صنفی

مهم‌ترین تبلور همبستگی شهری ناشی از اشتراک منافع که ارتباط اندکی باریشه‌های قومی مذهبی و خانوادگی دارد. اصناف هستند. اصناف در گذشته متناسب با توان خود رابط بین حکومت و اعضای گروه خود بودند قدرت نام حاکمان در شهرها تشکیلات صنفی را اغلب در اختیار گرفته و استقلال گروه‌های صنفی را از بین بردند. بررسی وضعیت گروه‌های صنفی در شهرهای اسلامی بر اساس سنت ماکس وبر در مطالعه تطبیقی شهر غربی با سایر حوزه‌های فرهنگی در شرق تقریباً در اکثر آثار مربوط به شهر اسلامی وجود دارد. در همه این آثار نیز عمدتاً بر ارتباط اصناف با حکام استفاده ابزاری حکام از اصناف برای دریافت مالیات و نظارت و کنترل بر جامعه صنفی تأکید شده است. برخی معتقدند که صنوف اسلامی سازمان‌هایی نبودند که استادکاران به منظور حمایت از خود و حرفه‌شان ایجاد کرده باشند. بلکه آن‌ها را دولت به منظور نظارت بر پیشه‌ها و استادکاران و بالاتر از همه برای محافظت دولت در برابر پیدایش نهادهای خودمختار به وجود آورده بودند که تهدیدی برای انحصار ذاتی سیاسی - نظامی درون نظام وراثتی بودند ترور ۱۳۷۹ (۱۸۰) برخی نیز آن‌ها را وسیله‌ای در اختیار حکومت‌ها برای دریافت مالیات حفظ نظام و نمایندگی خود در شهرها می‌بینند که از قرن نهم پا گرفتند و بعد از ده قرن از هم پاشیدند بیومونت و دیگران ۱۳۶۹: ۲۵۶ آنچه باعث اهمیت بحث درباره وضعیت صنوف در شهرهای اسلامی می‌شود. مقایسه اصناف در این شهرها با شهرهای غربی است که ماکس وبر در نمونه نظری خود در شهرهای اروپای غربی توصیف کرده است. مهم‌ترین مشخصه اصناف (گیلدها در شهرهای غربی استقلال آن‌ها در برابر حاکمیت است. درحالی که خاورشناسان اصناف اسلامی را در چارچوب حکومت وابسته به آن یافته‌اند. افرادی نظیر ماسینیون اصناف شهرهای اسلامی را تا حدود زیادی شبیه انجمن‌های صنفی (گیلد) در غرب می‌دانستند. در مقابل کاهن معتقد بود که انجمن‌های صنفی در شرق از قدرت و نفوذ بسیار اندکی برخوردار بوده و تشکیلات سلسله‌مراتبی همانند. گیلدهای غربی نداشتند سلطان‌زاده ۱۳۶۵: ۲۰۰ اشرف نیز در بررسی ویژگی‌ها تاریخی شهرنشینی در ایران معتقد است.

۲-۳-۳- عناصر کالبدی شهر مثل:

مسجد جامع، بازار محله، دارالاماره (قصر یا کاخ)، باغ‌ها، دژ شهرها، اماکن عمومی مثل میدان‌ها، گرمابه‌ها، کاروان‌سراها، بیمارستان‌ها... که با توجه به رعایت یک سری سلسله‌مراتب که پاره‌ای از آن‌ها شرح داده می‌شود در شهرهای اسلامی عناصر شناخته‌شده و بنیادی می‌بودند که بایستی درون هر شهر اسلامی ساخته و پرداخته می‌شدند.

۲-۳-۴- عوامل مؤثر در شکل‌گیری کالبد شهر:

در طول تاریخ نظریات مختلفی مبنی بر ریشه شکل‌گیری شهرها مطرح شده است. به‌طور مثال از دیدگاه ابن خلدان شکل‌گیری شهر، ریشه اجتماعی دارد و در پی تجمل خواهی و عصبیت انسان و لزوم وجود دولت شکل گرفته است. از دید گوردون چایلد شکل‌گیری شهر، ریشه اقتصادی دارد و راپاپورت نیز زمینه فرهنگی و روان‌شناسانه را در شکل‌گیری شهرنشینی مؤثر می‌داند. (nasr. ۲۰۱۳. ۱۰۱)

۲-۳-۴-۱- استحکام و ثبات:

خدای تبارک تعالی برای کسانی که دوستانی غیر از خدا می گیرند و برای این که سستی این دوستی را بیان کند؛ آن را به خانه عنکبوت تشبیه می کند. به نظر می رسد که این آیه می تواند اساس ساخت و ساز در شهرهای اسلامی نیز باشد و با استناد به همین آیه چهارچوب ساخت و ساز را در مجموعه شهر و شهرسازی بنا نهاد. زیبایی این آیه در این است که کلمه «لوهن» فقط یک بار در قرآن به کار رفته و این یک کلمه در ارتباط با خانه سازی بوده است. (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹).

۲-۳-۴-۲- امنیت:

و هذا البلد الامن (تین/۸): و قسم به این شهر امن و امن (مکه معظمه).
به این ترتیب مشخص می شود که امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است و آن را در زمینه های مختلف می توان مورد مطالعه قرار داده و راه های فراهم آوردن هر کدام را برای شهروندان شناسایی و آن ها را در شهر اسلامی به منصف ظهور رساند. اهمیت امنیت و ایمنی در جامعه مسلمین به حدی است که اولین وظیفه مسلمین در تماس با یکدیگر القاء این مطلب به طرف مقابل است و در این راستا ابتدایی ترین راه القاء امنیت، اسلام است.

۲-۳-۴-۳- نظم:

نظم یکی از مقولاتی است که در آموزه های دین مبین اسلام در مواضع متعددی به آن توصیه شده است. ارتباط نظم شهری با عامل طبیعی بیشتر حیطه ی سخت افزاری و معماری شهرها را شامل می رود. بدین معنا که برای تأسیس و تداوم شهرها دستورالعمل ویژه ای وجود دارد؛ جهت یابی دقیق، محاسبه و نقشه برداری صحیح و همچنین برخورد فیزیکی آب و خاک، مهم ترین شاخص فضاهای وسیع شهرهای اسلامی است. (به مات، ۱۱۷: ۱۳۶۹).

۲-۳-۴-۴- زیبایی:

سرچشمه معارف اسلامی زیبایی زندگی انسان ها است. مرحوم محمدتقی جعفری در کتاب «زیبایی هنر» از دیدگاه اسلام می فرماید: «در دنیای ما موضوع زیبایی که خداوند متعال در دیدگاه ما قرار داده است موضوع اصیل است، نه این که بشر آن را به طور غیرواقعی از جانب خودش طرح کرده باشد. به این معنا، تشخیص زیبایی و رفتن به دنبال زیبایی ریشه در روح ما دارد. شاید یک علت بسیار مهم برای خلق زیبایی هایی که خداوند در طبیعت آفریده یا در درون ما به ودیعت نهاده است این باشد که اصلاً روح در این دنیا بدون زیبایی نمی تواند آرام بگیرد و دوام بیاورد. (جعفری، ۱۳۷۸: ۹۸).
مرکزیت، عدل، انسجام اجتماعی، دسترسی، اصل سلسله مراتب، قلمرو سازی زنانه و مردانه، درون گرایی... از جمله عوامل مؤثر در شکل گیری کالبد شهرهای اسلامی می باشند

۳- نتیجه گیری

دین‌شناسی و آیین اسلام در زمینه ی شهرسازی یا معماری با توانایی دادن گزارش مناسب در زمان‌های گوناگون و جاهای پراکنده، راهبردهای سازش‌پذیر و پویایی را برای گشایش دشواری‌های گوناگون داده است. به بیانی، اسلام در شهر باهم آمیزی جدید پاره‌های شهر، شهرهای جدید خود را به پاداشته است. شهر ایرانی - اسلامی، متشکل از مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط و ارتباطات چهارگانه انسان با خدا، خود، محیط و سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها منبعث از قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) است و دربردارنده شرایط و مقتضیات زمانی - مکانی ایران است. آنچه بانام ارزش‌های نوین شهرسازی گفته یا شنیده می‌شود، در هماهنگی کامل با ارزش‌های شهر اسلامی است و باآنکه آشکارا در این شهرها دیده می‌شود، کمتر پژوهشی آن‌ها را نمایان ساخته است. روی هم‌رفته سازگاری ارزش‌های قابل به‌کارگیری در شهرسازی، باید بدون خشک‌اندیشی با شالوده‌ی شهرسازی اسلامی سنجش شود. امروزه مسلمانان می‌توانند با ژرف‌نگری در آن، به گشودن دشواری‌های شهرهای خود بپردازند. این نکته زمانی انجام‌پذیر است که سرشت شهر اسلامی به‌درستی نمایان شود.

شهر اسلامی به‌عنوان یک موقعیت دربردارنده‌ی انبوهی از عاملین، کارگزاران، کنشگران و مؤلفه‌های دخیل است که تکیه و تمرکز انحصاری بر برخی از آن‌ها و حذف دیگران، باعث شکل‌گیری تصویری ناقص و مبهم از آن می‌گردد. این عاملین، هم شامل کارگزاران و کنشگران مختلف انسانی هستند که در دوره‌های زمانی مختلف به ساخت و بازسازی سکونت‌گاه‌های شهری مختلف اقدام کرده‌اند؛ و هم پژوهشگران و حرفه‌متنان مختلف درگیر در مطالعه در این زمینه را شامل می‌شوند؛ اما مهم‌تر از این دو مورد، مؤلفه‌ها و کنشگران غیرانسانی و نیز گفتمان‌های دخیل در این عرصه هستند که غفلت از آن‌ها در پژوهش‌های مختلف به اغتشاش و تضادهای مختلف موجود در این عرصه انجامیده است.

۴-منابع:

- ۱- کامیار، غلامرضا، (۱۳۷۹)، حقوق شهرسازی، انتشارات مجد.
- ۲- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات انتشاراتمانی)، اصفهان.
- ۳- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۳)، بارزهای شهر و معماری اسلامی، نامه فرهنگستان علوم، ۲۶ و ۲۷، صف ۴۳-۷۴.
- ۴- نصر، سید حسین، (۱۳۵۷)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
- ۵- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۹)، تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی، ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۴.
- ۶- نقی زاده، محمد، (۱۳۹۰)، ریشه‌های شهر اسلامی در متون اسلامی، ماهنامه کتاب ماه هنر، ۱۲-۲۶.
- ۷- نقی زاده، محمد، (۱۳۷۹)، صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم، نشریه قرآن و حدیث.
- ۸- ایازی، سید علی نقی، (۱۳۸۷)، تبیین اندیشه اسلامی شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون برون دینی، نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۹- شکرانی، رضا، (۱۳۷۸)، مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی، نخستین همایش.
- ۱۰- موسوی، یعقوب، (۱۳۸۷)، بازسازی محله‌های شهری در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی محله‌ای. مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران. (۲)، ۱۲۳ - ۹۹.
- ۱۱- عزیزی، محمدمهدی، (۱۳۸۵)، محله مسکونی پایدار مطالعه موردی نارمک. نشریه هنرهای زیبا. (۲۷): ۳۵-۴۶.
- ۱۲- شگونی، حسین، (۱۳۵۲)، جغرافیای شهری. ج ۱. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۱۳- سلیمانی، علیرضا و آیناز قادری، (۱۳۹۵)، طراحی شهری با تأکید بر خیابان ایرانی- اسلامی، تهران، انتشارات طرحان.
- ۱۴- اخوت، هانیه و همکاران، (۱۳۸۹)، معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، تهران، انتشارات هله.
- ۱۵- اخوت، هانیه و همکاران، (۱۳۸۹)، معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، تهران، انتشارات هله.
- ۱۶- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۸)، زیبایی هنر از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات پیام نور.
- ۱۷- به مات، نجم الدین، (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسن حلیمی و منیژه اسلام بولی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۱- Behzadfar, M. (۲۰۰۷). The Identity of City. Tehran, Iran: Shahr Press.
- ۲- Nasr, T. (۲۰۱۳b). The Significance of Identity in the Image of the Iranian-Islamic City. Armanshahr Architecture & Urban Development Journal, ۱۰, ۱۳۵-۱۴۳
- ۳- Michell, G., ۲۰۰۲, Architecture of the Islamic World: Its History and Social Meaning, Thames and Hudson, London
- ۴- Naghizadeh, M., ۲۰۰۶, Islamic Architecture and Urbanism (Theoretical Fundamentals), Rahian Publisher, Tehran. (in Persian)
- ۵- Noghrehkar, A.H. ۲۰۰۸, An Introduction to the Islamic Identity in Architecture and Urban Development, Ministry of Housing, Tehran. (in Persian)
- ۶- Pérez, Michelle Salazar, and Gaile S. Cannella. ۲۰۱۳. Situational Analysis as An Avenue for Critical Qualitative Research: Mapping Post-Katrina New Orleans. Qualitative Inquiry ۱۹(۷): ۵۰۵-۵۱۷.

A look at the social insight on the separation of Islamic beliefs in the city

Abstract:

The Islamic city is one of the concepts that has been mentioned in the researches about the city and urban planning, with Islamic culture and values. This research has tried to reveal the possibility of applying the values of Islamic urbanism in today's era and for the global scope. The identity of each city is determined by the characteristics and privileges of that city in a period compared to the previous period. The components and elements that make up the shape of the city, the way they are combined and the time factor, all have the meaning of association, increase the ability to create a mental image, create a sense of place and urban identity. This research, because of the topic, researched with a descriptive-analytical method based on library and documentary studies with the aim of identifying the characteristics of the urban development sector in Islamic cities. The subject of the Iranian-Islamic city has always had different views, and every thinker, scientist and researcher has looked at it from a different angle and provided a definition with their own data. Based on this, this research is aimed at the manifestation of Islamic values in the body of the city and identifies the values that give it an Islamic identity when they appear in a complex.

Keywords: city, Islamic belief, composition and structure.